

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ اگست ۲۰۱۸

## ادامه خط خون و آتش از غزنی تا دشت برچی



چهارشنبه- ۲۴ اسد ۱۳۹۷- کابل: حوالی ساعت چهار بعد از ظهر، بار دیگر دستان جنایتبار مهمانان جناب رئیس از آستین میزبان شان برآمده، ضمن یک حمله انتحاری بر مکتب شخصی "مهدی موعود" واقع دشت برچی که عمدتاً شاگردان را جهت گذراندن موفقانه امتحانات کانکور آماده می سازد، حدود ۵۰ تن را به قتل رسانیده، بیش از ۶۵ تن دیگر را شدیداً زخمی ساخت.

هموطنان نهایت عزیز!

اگر تبلیغات دولت دست نشانده را بعد از سلسله انفجارات ماه های قبل به خاطر داشته باشید، تمام مقامات امنیتی دولت دست نشانده اعم از وزرای دفاع، داخله و رئیس امنیت ضد ملی گرفته تا سخنگویان دیده درا و بی آرم شان، بعد از هر حمله انتحاری در شهر کابل اعلام می داشتند:

**"چون مخالفان مسلح در جبهات شکست خورده و توان ایستادگی و مقابله رویاروی با اردوی قهرمان ما را ندارند، به این حملات جبوتانه و بزدلانه در داخل شهر ها اقدام می ورزند"**

هموطنان، مطمئن هستم شما هم این جمله را بار بار از زبان مقامات امنیتی و سخنگویان آنها شنیده اید، حال سوالی که مطرح می گردد، این است:

هرگاه بپذیریم که ادعای ایادی دولت دست نشانده به ارتباط حملات خودکشانه در شهر ها درست بوده، مخالفان مسلح دولت دست نشانده که دشمنان مردم افغانستان اند، از روی استیصال و ناتوانی در جبهات جنگی و شکست های آنها از "اردوی قهرمان!!"، در داخل شهر ها به جنایت دست می زدند، تمام سرکردگان نیروهای امنیتی دولت دست نشانده به ارتباط حمله انتحاری امروز چه می گویند؟ آیا باز هم می خواهند همان اراجیف را به خورد مردم بدهند؟ اگر چنین قصدی داشته باشند، باید بدانند که چنین ادعائی در شرایط فعلی دیگر خریداری ندارد، زیرا تاجائی که از مطالعه اوضاع نظامی تمام کشور در اقصا نقاط افغانستان بر می آید، دشمنان سوگندخورده مردم افغانستان طالب و داعش در تمام جبهات دست بالا را داشته، ضمن آن که بیش از ۵۰ درصد قلمرو جغرافیائی افغانستان را در کنترل کامل خود دارند و حدود ۲۰ درصد دیگر تحت حملات شدید آنها قرار داشته، روز تا روز موازنه قدرت در آن مناطق به نفع آنها تغییر می خورد، در ۳۰ درصد بقیه نیز با حملاتی نظیر حمله بر غزنی، زابل، بغلان، فاریاب، قندهار، جلال آباد و ... قدرت شان را به نمایش می گذارند؛ چنین حملات خونباری به هیچ وجه نمی تواند، برخاسته از ضعف آنها باشد، بلکه مسأله در جای دیگر است.

اساس مسأله این است که دولت دست نشانده و نیروهای امنیتی آن که در تمام روز های بارش خون و آتش در غزنی، در ارگ بنا به پیشنهاد "روغنی" زیر نام جشن جوانان مصروف رقص و پایکوبی بودند، بعد از بالا گرفتن سروصدا ها به ارتباط ناتوانی و تباری در سقوط غزنی سخت زیر فشار افکار عامه قرار داشتند، نیازمند بودند تا افکار عامه را به سمت دیگری منحرف بسازند.

تغییر جهت دادن افکار عامه بعد از چنان کشتاری می بایست با حرکتی صورت می گرفت، که از لحاظ کمی و کیفی می توانست انعکاس داشته باشد، این امر چیزی نبود به جز استفاده از مهمانان جناب رئیس به غرض ایجاد یک فاجعه جدید، جهت تحت الشعاع قرار دادن فاجعه غزنی.

محل هم باید جائی انتخاب می شد که از یک جانب به نحوی ادامه غزنی را تداعی می نمود و از جانب دیگر روحیه مبارزاتی شکل گرفته در آن نقطه شهر را سرکوب می نمود. به این علت مهمانان جناب رئیس در همسویی و مساعدت خط کلی و بخش هائی از عمال دولت دست نشانده به این جنایت دست یازیدند.

هموطنان!

دیروز هم خدمت تان عرض نمودم، باز هم تأکید می ورزم هر روزی که به عمر دولت دست نشانده افزوده شود، به همان اندازه میزان تلفات انسانی، مادی و معنوی در افغانستان بیشتر خواهد شد. بیائید وقتی قرار است بمیریم، این مرگ را در سرکها استقبال نماییم.

**سرکها م را می طلبد!!**